درنگ

اگر ژانر را نشناسیم کارگردان خوبی نخواهیم شد

رسول صدرعاملی، کارگردان شناخته شده سینمای ایران که ساخت فیلم‌هایی چون «گل‌های داوودی»، «من ترانه ۱۵ سال دارم» و «دختری با کفش‌های کتانی» را در کارنامه دارد در نشست تخصصی خود در سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران درباره تأثیر آگاهی و دانش در فیلمسازی درست گفت: آشنایی با قواعد فیلمسازی مهم‌ترین گام در ساخت یک اثر است. اگر ژانر را نشناسیم، هیچ‌گاه فیلمساز خوبی نخواهیم شد، مانند استاد ادبیاتی که حافظ و سعدی را نشناسد و بعد بخواهد شعری بسراید. این فیلمساز در این نشست ضمن تاکید بر شناخت تعاریف و چگونگی داستان‌پردازی درباره خلاقیت در ژانر هم توضیح داد: سینما یک صنعت و به‌نوعی یک کار گروهی است و روند ساخت یک اثر، می‌تواند شکل دهنده یک ژانر یا یک اثر قابل تأمل باشد و باید بدانیم این کار گروهی از یک ایده آغاز می‌شود و در طول زمان هزاران چکش می‌خورد. او درباره تفاوت خلاقیت و تجربه‌گرایی گفت: تجربه‌گرایی ادامه خلاقیت است. تا خلاقیتی وجود نداشته باشد، تصمیمی هم برای ساخت یک اثر گرفته نمی‌شود. صدرعاملی تاکید کرد: من به خواسته خودم در این جشنواره حضور دارم، هرچند افرادی می‌خواستند من در این رویداد حضور نداشته باشم اما من فعالیت و رفتار هنری را همچنان مهم می‌دانم و به آن معتقد هستم./ جام جم



ایستگاه جشنواره

از اقبال به فیلم‌ها تا نشست‌های تخصصی



سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران این روزها در پردیس سینمایی ملت در حال برگزاری است و علاقه‌مندان می‌توانند تا روز دوشنبه دوم آبان فیلم‌های کوتاه، مستند تجربی و پویانمایی ایران و جهان را در این بازه زمانی و به‌طور رایگان نگاه کنند.

فارغ از نمایش آثار مختلف آن چیزی که به سیاق دوره‌های گذشته، تنور جشنواره را گرم‌تر کرده، برگزاری نشست‌های آموزشی با حضور هنرمندان و چهره‌های شناخته‌شده و استادان و فعالان سینمای ایران است. چراغ اول این نشست‌های تخصصی را در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران، بهروز افخمی روشن کرد؛ کارگردان مطرحی که آثاری چون کوچک جنگلی، روز فرشته، شوکران، گاوخونی و سن پترزبورگ را در کارنامه دارد.

او در نشست آموزشی خود با اشاره به اهمیت فیلمنامه در فیلم کوتاه گفت: یکی از بحث‌هایی که در فیلم کوتاه مطرح شده، فشردگی داستانی است که قابلیت نمایش را در سینما داشته باشد. فشردگی است که باعث می‌شود مطلبی دوپهلو عنوان و فرم گیج کننده‌ای برای مخاطب ایجاد شود. معمولا غیر از فیلم‌های ترسناک، فیلم‌های اپیزودیک از حوصله مخاطب خارج است و تمرکز مخاطب را می‌گیرد، پس فقط در فیلم‌های ترسناک، مخاطب ممکن است اپیزود به اپیزود به آن علاقه‌مند شود. این فیلمساز درباره ایجاز و کم گویی در سینما توضیح داد: خاصیت سینما این است که برای زیاده‌گفتن جایی ندارد و حوصله مخاطب سر می‌رود. از این نظر، سینما نزدیک‌ترین رسانه به رادیوست.

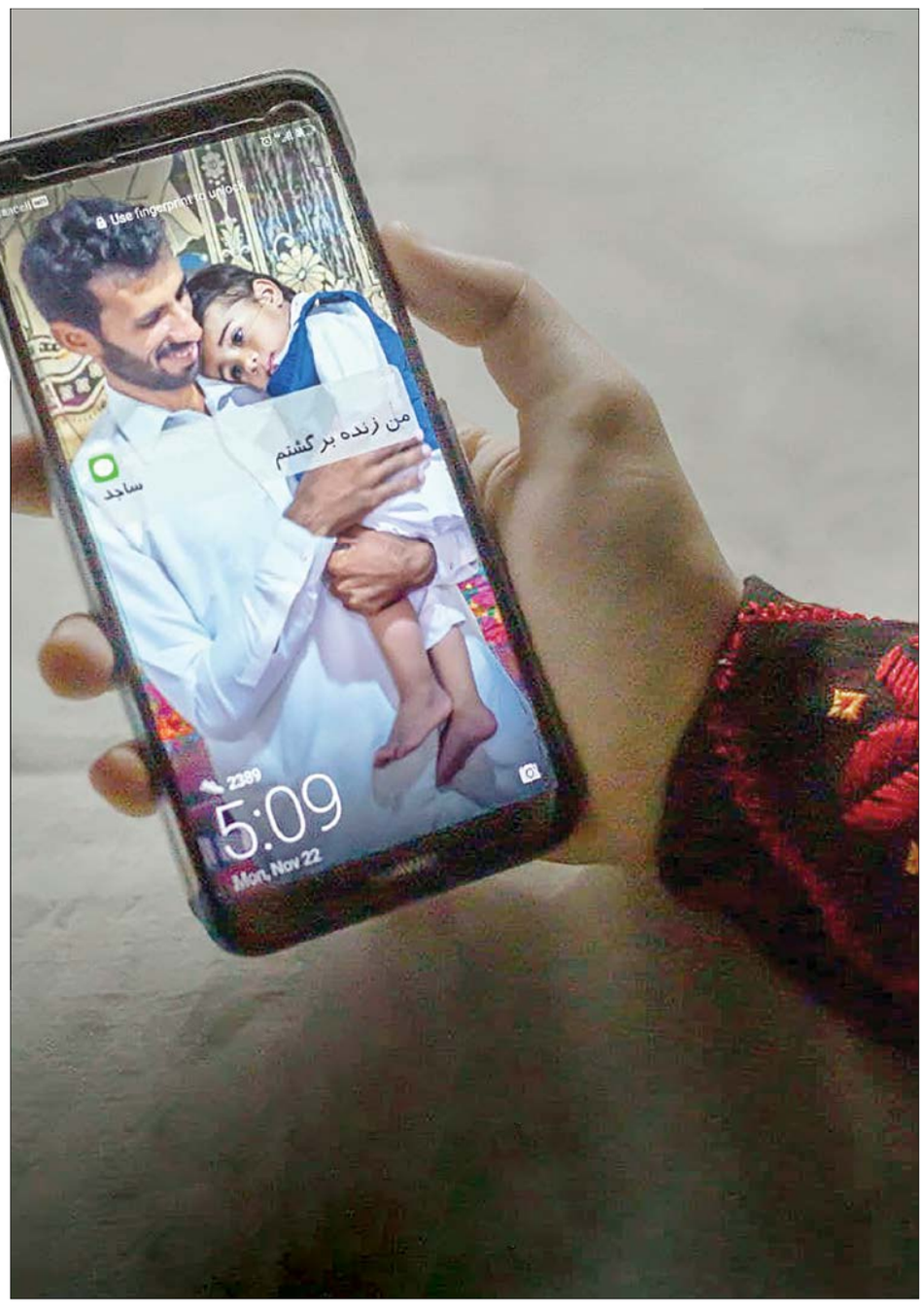
به جز نشست‌های تخصصی، رونمایی از کتاب‌های تخصصی و آموزشی در حوزه سینما به‌ویژه عرصه فیلم کوتاه هم از جمله رویدادهای همیشگی است. «مدیریت تولید فیلم» نوشته محمدرضا پاسدار از پیشکسوتان حوزه کتاب، تألیف، سینما ، صداوسیما و «ژانر در فیلم کوتاه» با مقدمه منصور براهینی و با دبیری رامتین شهبازی، تازه‌ترین کتاب‌ها در این زمینه هستند که مراسم رونمایی از آنها در دومین روز سی و نهمین دوره جشنواره فیلم کوتاه برگزار شد.

مهدی آذرپندار، مدیرعامل انجمن سینمای جوانان ایران و دبیر سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در نشست رونمایی از دو کتاب عنوان کرد: هیچ جشنواره‌ای در ایران مانند جشنواره فیلم کوتاه تهران این ارتباط را با کتاب ندارد و ما تا اینجا فروش خوبی در نمایشگاه کتاب جشنواره داشتیم که این اتفاق راضی‌کننده و خوشحال کننده‌ای است. استقبال از فیلم‌ها هم در این چند روز مثال زدنی است و مخاطبان اقبال خوبی به ویژه به آثار بخش داستانی جشنواره داشته‌اند و فیلم‌هایی چون «اسما» به کارگردانی مصطفی آقامحمدلو، «برنو» ساخته محمد ثریا، «جناکات»ساخته عطا مجابی،«نحسی» ساخته پارسا امیری‌زاد و «نوشابه مشکی» ساخته محمد پایدار در روزهای اول بیشترین آمار مردمی را به خود اختصاص دادند.

اگر امروز گذرتان به پردیس سینمایی ملت افتاد و قصد حضور در جشنواره را دارید، می‌توانید به تماشای این فیلم‌ها بنشینید: از ساعت ۱۳و۳۰ دقیقه تا ۱۵ سالن یک فیلم‌های تجربی: پرواز، لابیرنت، گیلگمش، بکرزایی، نشو و نما، نوستوس آلگیا. در همین ساعت در سالن ۹ فیلم‌های داستانی: نحسی، جناکات، چله سیاه، دریچه، پودر و از ساعت ۱۳ و ۴۵ دقیقه تا ۱۵و۱۵دقیقه و در سالن ۱۰ فیلم‌های داستانی: قهوه‌خانه عاشیقلار، جابه‌جایی، دندان درخت، لیدی، فلس. از ساعت ۱۵و۳۰ دقیقه تا ۱۷ در سالن یک فیلم‌های مستند: سوری، من زنده برگشتم، اویر، مای.سا.

گفت‌وگو با مجتبی حیدری، کارگردان مستند «من زنده برگشتم» یکی از فیلم‌های سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران

جشنواره فیلم کوتاه باب گفت‌وگو را باز می‌کند



امید رحمانی
گروه فرهنگ و هنر

کارگردان «من زنده برگشتم» معتقد است که متاسفانه صدای مردم مناطق مرزنشین به‌ویژه کسانی که برای تامین معیشت خود دست به سوخت‌بری می‌زنند و بحث سلامت و معیشت‌شان مطرح است، به گوش کسی نمی‌رسد، در حالی که اگر آن را با اتفاقاتی ساده و به اصطلاح دم‌دستی مقایسه کنیم که ناگهان و بی‌دلیل سروصدا می‌کنند، خود شرمنده و خجالت‌زده می‌شویم. این جملات، از جمله دیالوگ‌های مستند کوتاه من زنده برگشتم، محصول مرکز مستند سوره، به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مجتبی حیدری است که در بخش مستند سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران حضور دارد. این مستند -که پیش از این در بخش مسابقه کوتاه پانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت و بخش مسابقه مستندهای کوتاه ششمین جشنواره تلویزیونی مستند حضور داشته است- داستان زندگی مردمان روستایی مرزی در سیستان و بلوچستان است که برای گذران زندگی و معیشت خود به شغل خطرناک سوخت‌بری روی آورده‌اند؛ فعالیتی که از نگاه آمارهای رسمی و گزارش‌های کارشناسی، قاچاق محسوب می‌شوند اما در واقع تنها راه معیشت مردمی است که در چنبره سخت‌ترین نوع فقر گرفتار شده‌اند. در این میان اگرچه درآمد سوخت‌بران هم چندان چشمگیر نیست و به قیمت ارز بستگی دارد و افرادی که مشغول این کار هستند، به اصطلاح جان خود را برای یک لقمه نان کف دست می‌گیرند و اساسا به خطرش نمی‌ارزد اما شاید بتوان گفت برای تامین معیشت چاره‌ای ندارند. حتی بسیاری از افرادی که این کار را انجام می‌دهند، معتقدند اگر کاری حتی با درآمد بسیار کم برایشان وجود داشت، هرگز سوخت‌بری نمی‌کردند. اکران این مستند بهانه‌ای شد تا گفت‌وگویی با کارگردان آن داشته باشیم که در ادامه می‌خوانید. این فیلم از ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه تا ۱۷ امروز در سالن شماره یک پردیس سینمایی ملت به نمایش درمی‌آید.

در مستند من زنده برگشتم به خارج‌کنندگان سوخت از ایران لقب قاچاقچی داده نمی‌شود. دلیل شما برای استفاده نکردن از این لقب چیست؟

واژه قاچاقچی یا قاچاق سوخت درست است اما بایدبدانیم آن را برای چه کسانی در نظر بگیریم. دلیل ما برای ساخت این مستند کوتاه نیز این بود که سطح آگاهی مردم و جامعه را نسبت به استفاده از کلمه قاچاقچی بالا ببریم. در این میان، آنها که از این مسیر درآمدی دارند، می‌دانند چه می‌کنند. عامه مردم هم از طریق بخش‌های مختلف خبری و رسانه‌ها مطالبی درباره سوخت‌بری شنیده بودند اما تصور نمی‌کنم تا به حال با فردی آشنا شده بودند که با مدرک مهندسی عمران به دلیل مشکلات اقتصادی و برای تامین معیشت و نیازهای اولیه خود و خانواده‌اش مشغول سوخت‌بری است. تلاش کردیم در من زنده برگشتم نشان دهیم این افراد حمل‌کننده سوخت هستند و قاچاقچی به کسی اطلاق می‌شود که پول زیادی از این اتفاق به جیب بزند؛ چیزی که ما در هیچ‌کدام از کسانی که در آن منطقه سوخت حمل می‌کنند، نمی‌بینیم.

داستان این مستند بسیار با قلب و روحم همخوانی دارد. از سوی دیگر من همیشه از ساخت مستند در بحران‌ها نترسیدم و تجربه ساخت اثر در دل حادثه برایم جذاب است

یکی از ویژگی‌های این مستند، پویا بودن آن و حضور در حادثه است. برای این اتفاق چه تدابیری اندیشیدید و از چه مواردی در مستند استفاده کردید؟

از ابتدا با برنامه‌ریزی خاصی به شهرستان سرباز سفر نکرده بودم. یعنی برای کار دیگری به این مکان رفتم که درنهایت سر از روستایی به نام کافه بلوچی و مرز پاکستان درآوردم. شاید بتوان گفت هیچ تدبیر ویژه‌ای در نظر نگرفتم و مانند همه کسانی که پا در این مسیر می‌گذارند، در ماشین ساجد، سوژه اصلی قصه، نشستم و با او همراه شدم. تنها کاری که می‌شد انجام داد این بود که از مولوی، ریش سفید روستا، امان‌نامه بگیرم؛ امان‌نامه‌ای که در آن نوشته بود من مستندساز برای تولید اثر به اینجا آمده‌ام. در حقیقت توضیحاتی از این دست داده بود که اگر ما را گرفتند، به قتل نرسانند. بعدها متوجه شدم اساسا نباید نامه را به کسی نشان می‌دادم. ناگفته نماند در این مسیر ممکن بود هر اتفاقی برای من مانند دیگر سوخت‌برها رخ بدهد.

شما به عنوان مستندساز نه صرفا با خاطره‌گویی و مصاحبه، بلکه در همراهی با سوخت‌بران روایت خود را پیش بردید. انتخاب این شیوه روایت به چه دلایلی بوده است؟

رسانه‌ملی بارها درباره مسأله قاچاق سوخت صحبت کرده اما برای بیان آن بیشتر از برنامه‌های گفت‌وگومحور با تصاویر آرشیوی بهره برده تا جایی که هیجان کاذب به نوع روایت داده است. من در این مستند کوتاه نمی‌خواستم مانند دیگر برنامه‌ها عمل کنم، بلکه دوست داشتم از نزدیک با یک نفر همراه شوم و قضیه را از نزدیک لمس کنم. در حقیقت من از منظر یکی از جوانان تحصیلکرده این کشور که مشکلات معیشتی او را در این مسیر کشانده است، داستان را روایت کردم. یکی از هزاران داستانی که بلوچ‌های آن منطقه دارند.

آیا در انتخاب این نوع روایت موفق عمل کرده‌اید؟

موفقیت نوع روایت بستگی به نتیجه‌اش دارد. اگر من زنده برگشتم باعث شکل‌گیری گفت‌وگو شود، من راضی هستم. قطعا با فیلمی از این جنس نمی‌توان انتظار داشت مشکل قاچاق سوخت که معضلی عمیق است، حل شود. پس باید بیشتر درباره آن صحبت کرد. از سوی دیگر، مسئولان کشور می‌دانند در آن منطقه چه می‌گذرد اما خوب است مردم نیز نسبت به مسائلی آگاه شوند. من برای ساخت این اثر تمام تلاشم را کردم تا در عین صداقت با مردم حرف بزنم و می‌خواهم بگویم مستندتر از آن نمی‌توانستم کاری انجام بدهم. اگرچه منکر این قضیه نیستم که اثر دارای ضعف‌هایی است.

مستند حاوی تصاویری تازه درباره نیازمندی مردمی است که برای تامین حداقل نیاز روزانه‌شان، به اصطلاح راه مرگ را پیش می‌گیرند و تفاوتی میان زنده بودن یا مردن حس نمی‌کنند. درباره این موضوع برای‌مان بگویید.

درباره این سؤال شرم دارم و سخت است درباره آن حرف بزنم چراکه این مسأله بسیار غم‌انگیز است. هیچ تفاوتی نباید بین مردم سختی‌کشیده مرزنشین و مردم دیگر مناطق قائل بود. متاسفانه صدای مردم این منطقه که بحث سلامت و معیشت‌شان مطرح است، به گوش کسی نمی‌رسد، در حالی که اگر آن را با یک‌سری اتفاقات ساده و به اصطلاح دم‌دستی مقایسه کنیم که ناگهان پر سروصدا می‌شود، شرمنده و خجالت‌زده می‌شویم.

ساخت این مستند چه تجربه‌ای را برای شما رقم زد؟

ساخت این اثر مستند به این دلیل برایم جذاب بود که همه اتفاقات را در عین صداقت مطرح کردم و آن را بر اساس داستان از قبل تعیین‌شده پیش نبردم. در حقیقت همان‌گونه که اول مستند می‌بینیم برای کار دیگری وارد منطقه شدم اما اتفاقات دیگری پشت سر هم رخ داد و روند من زنده برگشتم، عین روند حضور من در منطقه است؛ یعنی از بدو ورود تا انتها همان چیزی که پیش آمد به نمایش گذاشته شد. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که داستان این مستند بسیار با قلب و روح من همخوانی دارد. از سوی دیگر من همیشه از ساخت مستند در بحران‌ها نترسیدم و تجربه ساخت اثر در دل حادثه برایم جذاب است.

آن‌گونه که در فیلم می‌بینیم و حتی بارها شنیده‌ایم سوخت‌برها ذی‌نفعان اصلی این دادوستد خشونت‌بار نیستند و درآمد حداقلی این مردمان، هیچ تناسبی با میزان ریسک جانی کاری که انجام می‌دهند، ندارد.

بله. درآمد سوخت‌برها با ریسک بالای کاری که انجام می‌دهند، همخوانی ندارد اما چاره‌ای هم ندارند، چراکه کسی برای مردم در آن منطقه شغلی ایجاد نکرده و تامین نیازهای معیشتی واقعا سخت است. شاید برایتان جالب باشد که بدانید مردم آن منطقه به یارانه حداقلی راضی‌اند. پس قطعا به داشتن شغلی با درآمد یک تا دو میلیون تومانی راضی هستند اما متاسفانه کسی به فکر درآمد پایدار برای آنها نیست. لازم است بگویم آنها هم که از این بستر درآمد بسیار کسب می‌کنند، پولشان را در خون جوانان منطقه می‌زنند و می‌خورند.

شما در این مستند تصویری از خانواده سوخت‌بران برای مخاطب به نمایش نگذاشتید. آیا ممکن است در آینده باز هم به سراغ این موضوع با زاویه نگاه خانواده این افراد بروید؟

ما در من زنده برگشتم با سوخت‌برانی همراه شدیم که در این مسیر پرتلاطم قدم برمی‌دارند اما تصویری از خانواده‌های‌شان که با چه استرسی دست و پنجه نرم می‌کنند، نگرفتیم. اگر بخواهم فیلم دیگری در این زمینه کار کنم شاید از این زاویه به مسأله بپردازم.

حضور این فیلم در سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

مستند من زنده برگشتم، تاکنون در دو جشنواره معتبر سینماحقیقت و جشنواره تلویزیونی مستند به نمایش درآمده است و جشنواره فیلم کوتاه تهران سومین حضور آن محسوب می‌شود. این برایم بسیار باارزش و باعث خوشحالی است که توانسته‌ام حرف خود را از چند جشنواره بزنم. همچنین معتقدم این جشنواره‌ها به دیده شدن فیلم‌ها، کمک و برای فیلمسازها انگیزه ایجاد می‌کند که حرف‌شان را بزنند. در حقیقت رضایت صاحبان آثار تنها در تولید نیست، بلکه در جایی است که نتیجه کارشان را ببینند و باب گفت‌وگویی درباره موضوعی که آن را مطرح می‌کنند، باز شود.

برش

تاثیرگذاری در آینده کاری فیلمسازان جوان



مرکز مستند سوره در حوزه هنری همواره آثار مناسب، دغدغه‌مند و متعهدانه‌ای را درباره مسائل و مشکلات مردم تهیه و تولید کرده است. مستند من زنده برگشتم هم پیرو همین نگاه و روند موثر، طرح موضوع می‌کند. مجتبی حیدری، کارگردان این فیلم درباره ارزیابی خود از همکاری با مرکز مستند سوره می‌گوید: همکاری با مرکز مستند سوره برای من جذاب بود و تعامل خوب ما در تولید من زنده برگشتم باعث شد ساخت مجموعه مستند دیگری را با همکاری این مرکز کلید بزنیم. فکر می‌کنم تعامل فیلمسازان جوان با این مرکز انگیزه‌ای برای آنها در تولید آثار مدنظرشان ایجاد می‌کند، چراکه درک درستی نسبت به تولید مستند دارند و همین موضوع باعث می‌شود جوانان در عین کسب تجربه، مسیر آینده کاری خود را ترسیم کنند.

قاب روز

سینما است و صفش!

سینما است و صفش و سینما و اکران و جشنواره بدون مخاطب معنایی ندارد. اگر قرار باشد فیلمسازان، فیلم‌ها را صرفا با نگاه شخصی و برای دل خودشان بسازند، چرخه تولید و هنر- صنعت سینما کارایی خود را از دست می‌دهد. چه بسیار جشنواره‌ها و دوره‌ها را با صفوف طولانی و بحث‌های مخاطبان تا ورود به سالن‌های سینما به یاد می‌آوریم، از جشنواره فیلم فجر تا جشنواره‌هایی مثل سینماحقیقت و همین جشنواره فیلم کوتاه تهران. تصویری که می‌بینید، نشانه تداوم و استمرار این سنت زیبای فرهنگی و اقبال از سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در پردیس سینمایی ملت است.



رویداد

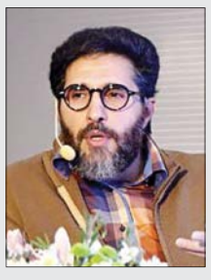
معرفی داوران بخش ملی جشنواره فیلم کوتاه



سرانجام یکی از اتفاقاتی که مخاطبان فیلم کوتاه و به‌ویژه شرکت کنندگان بخش ملی و داستانی سی‌ونهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران منتظر آن بودند رخ داد و داوران این بخش معرفی شدند. محمدرضا سکوت، روحا... سهرابی، رسول صدرعاملی، هادی مقدم‌دوست و حسین نمازی سینماگرانی هستند که مسئولیت داوری آثار بخش داستانی این رویداد را به عهده دارند. محمدرضا سکوت مدیر فیلمبرداری، مدرس سینما و عضو هیات مدیره خانه سینما و انجمن فیلمبرداران از مدیران فیلمبرداری شناخته شده سینمای ایران است که آثاری چون «کافه ترانزیت» و «باغ‌های کندلوس» را در کارنامه دارد. روحا... سهرابی، مدیرکل نظارت بر عرضه سینما و کارگردان سینما و تلویزیون است و آثاری چون «آرام می‌گیریم» و «خاکستر و برف» را ساخته. رسول صدرعاملی هم که شاخص‌ترین چهره ترکیب داوران است و نیاز به معرفی ندارد. هادی مقدم دوست هم فیلمنامه نویس و کارگردان سینماست و با فیلم «سر به مهر» شناخته می‌شود. حسین نمازی هم که ازجمله دانش آموختگان موفق انجمن سینمای جوانان است به‌تازگی از او فیلم «شادروان» را دیدیم. این هیات همچنین آثار معرفی شده توسط هیأت‌های داوری بخش‌های دیگر را برای کسب جایزه بهترین دستاوردهای فنی نیز بررسی می‌کند./ جام جم

نکته

نقش مهم تهیه‌کننده در نجات فیلم



محمدرضا مصباح، تهیه‌کننده سینما در نشست تخصصی «تهیه و تولید» از سری نشست‌های تخصصی جشنواره فیلم کوتاه تهران گفت: تهیه‌کننده بسیار بیشتر از متن آینده یک فیلم را می‌سازد، چراکه اگر یک تهیه‌کننده در مسیر درست حرکت کند، می‌تواند سینما را نجات دهد. تهیه‌کننده فیلم‌های «یدو» و «پوست»، درباره تفاوت‌های میان تهیه فیلم کوتاه با بلند گفت: از آنجا که من یک فیلم کوتاهی هستم از نظر تولید فنی میان سینمای کوتاه و بلند تفاوت اساسی وجود ندارد و امکانات فنی برای هر دو سینما باید وجود داشته باشد. این اتفاق شاید کمی سخت باشد، چراکه هزینه‌ها افزایش می‌یابد و فضای زیادی برای اکران فیلم کوتاه وجود ندارد و این شاید برای تهیه‌کنندگان با ریسک همراه باشد اما من همیشه نگاهم به این دو سینما یکسان است، هرچند در فیلم کوتاه باید در زمانی کوتاه، جان کلام ادا شود. معتقدم فیلمسازان جوان باید منطق را چاشنی ایده آل‌گرایی خود کنند تا ساخت اثر اتفاق بیفتد و به نقطه مطلوبی ختم شود./ جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران